

آسیب‌شناسی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران
«بررسی موردی عصر قاجار تا پایان دوره رضاشاه»
«دکتر محمدرضا اسکرانی»^۱

چکیده

تاریخ در شمار پیچیده‌ترین رشته‌های علوم انسانی است که امروزه ایجاد تحول در آنها مدّ نظر قرار دارد. در این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی درس تاریخ، به اسناد، روزنامه‌های قدیمی و کتاب‌های درسی تاریخ مراجعه گردیده و به روش «اسنادی» و «توصیف تاریخی» تلاش شده تا مسایل آسیب‌زای آموزش این رشته ریشه‌یابی گردد. جامعه آماری پژوهش تمامی کتاب‌های درسی از آغاز تا پایان دوره رضاشاه است که پژوهشگر در یک تحقیق آکادمیک آنها را بررسی نموده و در این نوشتار تنها به برخی نتایج آنها استناد کرده است. در مجموع این بررسی نشان داد: کتاب‌های درسی تاریخ اگرچه از مهم‌ترین وسایل آموزشی در دوره مورد بررسی بوده‌اند؛ لیکن کاستی‌هایی هم داشته‌اند. پایبندی معلمان به روش‌های سنتی، رواج باستان‌گرایی افراطی و روند رو به فزونی دخالت دولت در امر آموزش تاریخ، از مهمترین موانعی بوده که به آموزش مطلوب این درس آسیب رسانده است.

کلیدواژه‌ها:

آموزش تاریخ، کتاب‌های درسی، آسیب‌شناسی درس تاریخ، دوران معاصر

مقدمه

در دوره معاصر تغییرات گسترده‌ای در زندگی اجتماعی مردم ایران پدیدار شد؛ ولی به دلیل استواری الگوهای تربیتی برخاسته از باورهای دینی و ملی، جایگزینی جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت نوین با نظام آموزش سنتی به راحتی امکان‌پذیر نبود. نظام آموزشی در هر بار دست به دست شدن قدرت، دگرگون گردیده و از هم می‌پاشید. این

askarani88@yahoo.com

۱- عضو علمی دانشگاه پیام‌نور مرکز زاهدان
تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۱۸ تاریخ تایید: ۹۰/۳/۹

گسست‌ها نه تکامل تدریجی بنیان‌های آموزشی گذشته را مجال می‌بخشید و نه توش و توانی برای جذب جنبه‌های مثبت تعلیم و تربیت نوین باقی می‌گذاشت. بازشناسی رویکرد به درس تاریخ در تعلیم و تربیت معاصر ایران، رهیافتی برای آسیب‌شناسی این رشته خواهد بود تا زمینه‌ی پاره‌ای از کژی‌های کنونی آموزش تاریخ ریشه‌یابی گردد.

کتاب‌های درسی و شیوه‌ی تدریس تاریخ

استفاده از کتاب درسی چاپی تحوّل‌ی در امر آموزش بود. همین که فراگیران را از رنج رونویسی و نویسندگان را از زحمت نسخه‌برداری می‌رهانید، کمک بزرگی برای آموزش بود.

بررسی محتوایی نخستین کتاب‌های درسی تاریخ نشان می‌دهد که شمار اندکی از نویسندگان به روش تدریس کتاب‌شان اشاره کرده‌اند.^۱ مؤلفانی هم که در آثارشان به روش تدریس تاریخ اشاره کرده‌اند، به انتقاد از «جزوه نویسی» بسنده نموده، بیشتر به برشمردن نوآوری‌های آموزشی کتاب‌های‌شان مبادرت ورزیده‌اند.

یکی از نویسندگان دوره‌ی رضاشاه شیوه‌ی تدریس تاریخ را چنین مورد انتقاد قرار داده است:

«محتاج به بیان نیست که به واسطه‌ی نداشتن تألیفی کامل در تاریخ، کلیه‌ی دبیران ناچار به آن هستند که مطالب خود را به صورت جزوه برای دانش‌آموزان قرائت و آنان هم یادداشت بردارند و به همین مناسبت مقداری از وقت گران‌بهای محصلین به نوشتن مصروف می‌شود. من هم مطابق معمول یک سلسله مطالبی را به عنوان یادداشت به دانش‌آموزان خود می‌دادم؛ ولی در عرض سال به این مسأله پی بردم که همین قضیه‌ی جزوه گفتن و جزوه نوشتن علاوه بر آن که اغلبی از دبیران را به استفاده از زحمات و تبیعات دیگران و به کار نینداختن قوه‌ی جدیّت و فعالیت شخصی عادت می‌دهد، دبیر و دانش‌آموزان را کم‌تر به اختلاط و آمیزش با یکدیگر و بالنتیجه مباحثه در مسایل مختلفه‌ی مربوط به درس همان دبیر وادار می‌نماید».^۲

یکی دیگر از معلمان تاریخ در این زمینه می‌نویسد:

«چون در قسمت تاریخ عمومی کتاب‌های مطبوع موجود را تا حدی موافق با قوه‌ی محصلین و پروگرام ندیدم، قسمت عمده‌ی درس خود را از خارج به شاگردان دیکته می‌نمودم. دو سال قبل بنا به خواهش جمعی از محصلین، یادداشت‌های مزبور را جمع و... به طبع رساندم...».^۳

دانش‌آموزان هم از این وضعیت ناخرسند بودند. خواهش آنان از معلم‌شان برای تدوین مطالبی که ساعت‌های متمادی معلم گفته و آنها نوشته بودند، شاید نشانه‌ی رنجی باشد که در این کلاس‌ها بر خود هموار کرده‌اند. جزوه‌گویی زبان دیگری هم داشت. با حجم بالای موضوعاتی که برای برنامه‌ی درسی تاریخ دبیرستان‌ها پیش‌بینی شده بود، امکان تدریس تمامی سرفصل‌ها فراهم نمی‌آمد. در یکی از کتاب‌های درسی تاریخ نویسندگان به این موضوع چنین اشاره کرده‌اند:

۱- محمدرضا عسکرانی، آموزش تاریخ در روند نظام تعلیم و تربیت ایران [چاپ نشده]، ص ۳۳۱.

۲- عباس پرویز، تاریخ اروپا در قرون وسطا از اوایل هجوم وحشی‌ها به اروپا تا فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح [جلد اول]، مقدمه.

۳- عزت پور، تاریخ عمومی؛ برای سیکل اول دبیرستان مشتمل بر تاریخ ممالک مصر، کلد و آشور، بنی اسرائیل، یونان، روم، عرب و قسمتی از تاریخ ایران از سلسله صفاری تا روی کار آمدن سلاجقه، دیپاچه.

«...در مدت سه چهار سال تدریس علوم تاریخ و جغرافیا، واضح شد که با نبودن کتاب صحیحی که شامل تمام خصوصیات پروگرام باشد، تدریس کمی مشکل و بیش تر اوقات دانش آموزان به جزوه نویسی صرف گردیده و در نتیجه موادی کم تر از میزان پروگرام تدریس می گردد...»^۱

آفت جزوه گویی میراثی از روش «املا» در تعلیمات سنتی است که در پس زمینه نظام آموزشی جدید نیز باقی مانده؛ زیرا با وجود دسترسی آسان به کتاب های درسی، امکانات تکثیر و وجود تجهیزات رایانه ای، هنوز هم می توان طنین «جزوه گویی» را در برخی کلاس های درس شنید.

«دوره کردن» از دیگر روش های تدریس تاریخ بود. این شیوه بیش تر به اصل روان شناسی «نبودن منع مؤثر در آینده» برای یادآوری مطالب تکیه می کرد. برخی معلمان برای بهبود نمرات شاگردان، مطالب را فشرده تر تدریس می کردند تا چند جلسه زودتر از آغاز امتحانات، کتاب به پایان رسیده و در جلسات باقی مانده، از آغاز تا پایان مطالب را «دوره» نمایند. در این بازخوانی ها، بخش هایی از درس مورد تأکید قرار می گرفت و شاگردان برای فراگرفتن بخش هایی که معلم مشخص می کرد، بیشتر می کوشیدند. یکی از دبیران تاریخ در این مورد می نویسد:

«دوره و پرسش تنها برای استفاده دانش آموزان کافی نیست و بلکه می توان گفت که تا اندازه ای بی مورد و غلط است. چه، دانش آموز از روی میل و شوق شخصی... درس خود را یاد نمی گیرد؛ بلکه به واسطه ترس و بیش تر بر اثر رقابت و حسادت و... اخذ نمره عالی تر موقتاً برنامه خود را حفظ می نماید و چند روزی نمی گذرد که حتی مختصر اثری از آن در خاطرش باقی نمی ماند.»^۲

نظریه های جان دیویی، انقلابی در روش های اداره کلاس در آغاز قرن بیستم میلادی بود. به نظر وی به جای انجام فعالیت هایی نظیر خواندن و نوشتن که انضباط را کدی را در کلاس به وجود می آورند، معلم باید از فعالیت های فوق برنامه کمک بگیرد تا با ایجاد روحیه پرسشگری در دانش آموزان، نیروی خلاقیت آنان را بارور سازد.^۳ در همین سال ها برای آموزش تاریخ «مارک بلوک» مورخ فرانسوی با «امیل دورکهمیم» جامعه شناس دست به دست هم داده، در جهت اصلاح روش های نوشتن و آموزش تاریخ در فرانسه، کوشش می کردند.^۴ این در حالی بود که از چند دهه قبل در فرانسه افرادی مانند «شارل سینوبس»، «وبکتور دوروی» و «ارنست لایویس» با تدوین کتاب های درسی تاریخ مطابق اصول تعلیم و تربیت نوین، گام های مؤثری را برداشته بودند^۵ و تلاش های افرادی چون «مارک بلوک» برای بهبود آموزش تاریخ بر شالوده دستاوردهای آنان ادامه می یافت. چنین اندیشه هایی با آنچه در مدارس ایران مرسوم بود، فاصله بسیار داشت. معلمانی که در غرب تحصیل

۲- بهمن کریمی و رضا فاضلی، دوره تاریخ [کتاب اول]؛ شامل خصوصیات تاریخ مصر، کلد و آشور، بنی اسرائیل، فنیقیه، یونان، مقدمه.

۳- عباس پرویز، پیشین، مقدمه.

۱- فردریک مایر، تاریخ اندیشه های تربیتی، ج ۲ ص ۴۸۶ و ۴۹۰.

۲- ماری هیوز وارینگتن، پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ص ۳۷.

کرده بودند، به سهم خود، پیام‌آور این نگرش‌ها شدند و گاهی هم موجب تغییر روش متصدیان آموزشی گردیدند؛ ولی برای نهادینه شدن شیوه‌های نوین در تدریس تاریخ هنوز باید راه زیادی پیمود.

اولین کتاب‌های درسی تاریخ از فرانسه به فارسی برگردانده شدند و به طور طبیعی گذرگاه انتقال روش‌های تدریس اروپایی در ایران گردیدند. برای مثال، در کتاب «ملل قدیمه مشرق»^۱ ابتدا ویژگی‌های جغرافیایی تمدن‌ها به کوتاهی توصیف شده و سپس مطالب تاریخی آمده است. همین امر می‌توانست رهنمودی برای شیوه ارائه مطالب باشد. در لابلای یکی از نسخه‌های مورد بررسی این کتاب، قطعه کاغذی ملاحظه گردید که نقشه اجمالی «میان دو رود باستان» با مداد روی آن ترسیم شده و به نظر می‌رسید که یادداشت‌برداری یکی از دانش‌آموزان در کلاس باشد. از آن جا که در آن سال‌ها کتاب‌های درسی مورد استفاده دانش‌آموزان مختلفی قرار می‌گرفت و دست به دست می‌شد، نمی‌توان مشخص کرد که این یادداشت‌برداری چند سال پس از تدوین کتاب صورت گرفته است؛ ولی روشن می‌کند که دبیران تاریخ از نقشه‌های تاریخی برای تدریس سود می‌برده‌اند و طرحی از مکان جغرافیایی رویدادهای تاریخی را روی تخته‌سیاه ترسیم کرده، از روی آن تدریس می‌کرده‌اند.

در چاپ دوم همین کتاب مطالبی درباره فواید و اهمیت تاریخ نوشته شده که در چاپ اول وجود ندارد. شاید مترجم بعدها ضرورت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان را احساس کرده و بخش‌هایی از متن اصلی را که در چاپ اول غیرضروری تشخیص داده و حذف کرده بود، در چاپ‌های بعدی به متن افزوده است.

بررسی آماری ۹۷ کتاب درسی تاریخ نشان می‌دهد گنجاندن مطالبی پیرامون مبانی نظری تاریخ در دوره قاجار بیش از آغاز دوره پهلوی مورد توجه بوده و همین امر آشکار می‌سازد کوشش نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان از طریق آشنا کردن آنان با کلیات و فواید علم تاریخ به مرور کمتر شده است؛ چنانکه اگر در دوره قاجار ۴۲/۴ درصد کتاب‌های دوره ابتدایی و ۳۳/۳ درصد کتاب‌های دوره متوسطه به فلسفه و جنبه‌های نظری علم تاریخ پرداخته‌اند، این میزان در دوره رضاشاه به ۱۵/۴ درصد کتاب‌های ابتدایی و ۱۹ درصد کتاب‌های متوسطه کاهش یافته است.^۲

از همان سال‌های نخست آموزش رسمی تاریخ، به تقلید از کتاب‌های درسی غربی، تصاویر تاریخی مختلفی در لا به لای مطالب به چاپ می‌رسید. این تصاویر خیالی یا حقیقی که ترسیم آنها با وجود دشواری‌های چاپ سنگی کار آسانی هم نبود، به درس‌ها جان می‌بخشیدند و فراگیران با لذت به آنها چشم می‌دوختند. این موضوع به اندازه‌ای اهمیت داشت که وجود تصاویر تاریخی کتاب، گاهی در عنوان اثر هم مورد تأکید قرار می‌گرفت.^۳

در سال ۱۳۱۶ش. وزارت فرهنگ تعدادی عکس از بناهای تاریخی در اندازه پوستر تهیه کرد و برای مدارس فرستاد. در دستورالعمل وزارتی مورخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۰ چنین دستور داده شد:

۴- محمدعلی فروغی، تاریخ ملل قدیمه مشرق.

۱- محمدرضا عسکرانی، پیشین، ص ۳۲۸.

۲- سیدعلی خان، تاریخ عمومی مصور و محمدعلی فروغی، دوره مختصر تاریخ ایران؛ دارای تصاویر متعدده با هشت صفحه نقشه رنگین برای متعلمین مدارس ابتدایی و اتاق‌های اول مدارس علمی.

«آقای رییس معارف و اوقاف- مقتضی است؛ دستور دهید، تابلوهای آثار تاریخی که برای دبیرستان‌ها و دبستان‌های آن حوزه فرستاده شده [را] قاب نموده و روی آن شیشه انداخته [و] در سالن کنفرانس و کتاب‌خانه و اتاق دبیران و آموزگاران و کلاس‌ها در محل مناسبی نصب نمایند.

ضمناً دستور دهید: دبیران و آموزگاران تاریخ و جغرافی کنفرانس‌های هفتگی خود را در هر هفته منحصراً به دادن توضیحات لازم در باب هر یک از تابلوهای آثار تاریخی [معطوف] نمایند که دانش‌آموزان از اهمیت و وضعیت هر یک کاملاً آگاه باشند...»^۱.

این دستورالعمل و رسیدن تصاویر تاریخی در دسر بزرگی را برای اداره‌های معارف استان‌ها ایجاد کرد. اسناد موجود نشان می‌دهد که دست‌کم استان‌های بزرگی مانند آذربایجان شرقی، اصفهان، خراسان و فارس چون آخر سال بود، برای اجرای این بخش‌نامه گرفتار کسری بودجه شدند.^۲ البته رؤسای معارف برخی استان‌ها با شتاب سخنرانی‌هایی را ترتیب دادند؛ زیرا در بخش‌نامه اشاره شده بود: «ممکن است مقام وزارت متبوع در اواخر اسفند برای سرکشی به مؤسسات معارفی عازم آن حوزه باشند...» و ایشان می‌خواستند چنانچه هنگام ورود احتمالی وزیر از قاب و شیشه اثری نبود، دست‌کم چند سخنرانی در این زمینه برگزار کرده باشند. برای مثال، رییس اداره معارف فارس به دو تن از دبیران تاریخ دستور داد در مورد تصاویر آثار تاریخی مذکور دو سه سخنرانی ترتیب دهند و برای هر یک از پوسترها نیز به قدر یک صفحه اطلاعات تاریخی تهیه نمایند تا رونوشت آن برای دبستان‌های اطراف فرستاده شود.^۳

شاید شگفت‌آور جلوه کند که مگر فرستادن یک مجموعه ۱۰ عددی از عکس‌های سیاه و سفید تخت‌جمشید، آرامگاه‌های کورش و داریوش، سعدی، طاق‌بستان، نقش‌رستم، بقعه شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی، مسجدشاه و چهلستون اصفهان و مرقد امام رضا(ع) که امروزه زینت بخش بسیاری از محصولات آموزشی و فرهنگی است، چه اندازه اهمیت داشته که برای آن بخش‌نامه صادر و با آب و تاب تبلیغ کنند! ولی حقیقت این است که در آن زمان تلویزیون وجود نداشت و در سینماهای انگشت‌شمار پایتخت و یکی دو شهر ایران هم فقط فیلم‌های صامت غربی نمایش داده می‌شد. از طرفی به دلیل پایین بودن سطح زندگی سفر به شهرهای مختلف ایران و مشاهده این آثار برای بسیاری از دانش‌آموزان امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین، تصاویر مزبور در حقیقت غنیمتی به حساب می‌آمد. دست‌کم این تصاویر آن روزها این اندازه مهم بود که «اسماعیل مرآت» وزیر فرهنگ دستور دهد: متن سخنرانی‌های یکی از فرهنگیان در مورد این آثار به چاپ رسیده و در دسترس سایر دبیران تاریخ قرار گیرد.^۴

به هر تقدیر استفاده از تصاویر در تدریس تاریخ روز به روز بیش‌تر معمول می‌گردید و شواهد نشان می‌دهد که معلمان افزون بر تصاویر موجود در کتاب‌های درسی و پوسترها، حتی از تصاویر تمبرهای پستی هم برای آشناکردن دانش‌آموزان با اماکن و شخصیت‌های تاریخی بهره می‌گرفته‌اند.^۵

۳- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره: ۲۹۷۰۳۰۲۱۸.

۱ و ۲- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره: ۲۹۷۰۳۰۲۱۸.

۳- ابوالقاسم شکرایی، تاریخچه قسمتی از بناهای تاریخی کشور، مقدمه.

۴- حسن مشحون و رضا خزائل و علی‌اکبر جلائی‌فر، تاریخ برای سال دوم دبیرستان‌ها؛ شامل ایران - اروپا، مقدمه.

گنجانیدن پرسش‌های نمونه نیز به پیروی از کتاب‌های درسی غربی در ایران رایج گردید. روش پرسش و پاسخ در کلاس از دو جنبه به آموزش تاریخ یاری می‌رساند:

نخست با سنجش اطلاعات قبلی دانش‌آموزان، معلم را راهنمایی می‌کرد که کدام موارد نیاز به بازآموزی دارد و درس جدید را با چگونه باید آغاز کند و از طرف دیگر دانش‌آموزان را از شنوندگانی خاموش به پاسخ‌گویانی فعال تبدیل کرده، آنان را در فرآیند یادگیری مشارکت می‌داد. بعضی نویسندگان نیز به ضرورت طرح پرسش‌های نمونه در کلاس درس تاریخ اشاره کرده‌اند.^۱ استقبال معلمان از این شیوه، برخی نویسندگان را تشویق کرد تا تمام مطالب کتاب را به صورت پرسش و پاسخ درآورده، آن را به حساب نوآوری بگذارند.^۲

نبودن هیچ‌گونه سؤال نمونه در برخی از کتاب‌های درسی تاریخ و درآمدن تمام مطالب به صورت سؤال و جواب در پاره‌ای دیگر، روشن می‌کند که تا چه میزان ناهماهنگی در مورد استفاده از روش پرسش و پاسخ وجود داشته است. در حقیقت طراحی کتاب به طوری که هر مطلب با یک یا چندسؤال شروع شده و پاسخ مورد نظر نیز در کنار آن ارائه گردیده بود، نشانه بدفهمی نویسندگان از سؤال‌های نمونه موجود در کتاب‌های درسی غربی است. به‌نظر می‌رسد نویسندگان به پیروی از طراحی کتاب‌های درسی غربی از یک سو به اهمیت طرح سؤالات نمونه در کتاب پی برده‌اند؛ ولی از طرفی تحت‌تأثیر جنبه‌های حافظه‌گرایی تعلیمات سنتی قرار گرفته، پاسخ‌های مشخصی را هم برای آنها ارائه نموده و انتظار داشته‌اند، دانش‌آموزان پاسخ‌ها را حفظ نمایند. اگرچه در سال‌های آغازین مشروطه وضع تا اندازه‌ای متفاوت بود. برای مثال، با این که در مقدمه یکی از کتاب‌های درسی تاریخ توصیه گردیده: «محض سهولت تحصیل و آسانی حفظ [کردن، پرسش‌هایی] نوشته شده است که متعلمین جواب آنها را به معلم تحویل دهند».^۳ لیکن نوع سؤالات طوری طراحی شده‌اند که طوفانی از تفکر خلاق و سازنده را در ذهن شاگردان بر پا می‌کرد. برخی از پرسش‌های کتاب از این قرارند:

«مردم ایران امروز در چه حالند؟ امروز دول مشروطه در کره ارض کدامند؟ دول جمهوری کدامند؟ دول مستبده چند تا مانده؟ مقتدرترین و عالم‌ترین دول عالم کیست؟ علت تنزل ایران چیست؟ مانع ترقیات ایران چیست؟ چاره رفع مانع چیست؟ تکلیف هر ایرانی چیست؟ تکلیف اطفال ایرانی چیست؟»^۴

حتی اگر برخی معلمین به شیوه مرسوم دانش‌آموزان را وادار می‌کردند جواب‌ها را در متن پیدا کرده و به خاطر بسپارند؛ لیکن ماهیت این پرسش‌ها به گونه‌ای بود که زمینه «بارش فکری» آنان را فراهم می‌آورد. دانسته نیست که در آن دوره تا چه میزان به دانش‌آموزان اجازه می‌داده‌اند، پیرامون موضوعات درسی اظهار نظر نمایند. از شیوه آرایه مطالب توسط معلمان نیز آگاهی چندانی در دست نیست و نمی‌توان با اطمینان فضای کلاس‌های درس تاریخ را بازشناسی کرد. همین قدر می‌دانیم که نهضت مشروطه جامعه‌پذیری فراگیران را افزایش داد و گزارش‌هایی از شرکت گسترده شاگردان

۱- محمدعلی فروغی، دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد دوم: تاریخ ایران] مصور، دیپاچه.

۲- محمدحسین سعادت بوشهری، تاریخ ایران (بدون عنوان مشخص روی جلد) و سیدسعید طباطبایی، تاریخ مختصر ایران و محمدعلی فروغی، تاریخ مختصر عالم و میرزا حسین خان، تاریخ قرون قدیمه عالم.

۳- محمدعلی فروغی، دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد دوم: تاریخ ایران] مصور، دیپاچه.

۴- همان، ص ۱۵۴.

مدارس در اجتماعات این دوران وجود دارد. به مرور نیز توجه فعالان سیاسی به مراکز آموزشی جلب گردید و پس از مشروطه عده‌یی از روشنفکران برای تبلیغ اندیشه‌های‌شان به مدارس روی آوردند.^۱

این روند به دلیل گسست‌هایی که در آموزش تاریخ ایجاد گردید، استمرار نیافت و به تدریج سؤال و جواب‌های کلیشه‌ای جای «بارش فکری» دانش‌آموزان را گرفت و با گسترش روند تمرکزگرایی دولتی، پویایی این درس هم بر اثر تصدی‌گری دولت‌ها سستی گرفت و در پایان دوره مورد بررسی، با وجود بهبود ظاهری کتاب‌های درسی تاریخ، از میزان عناصر چالش‌برانگیز فکری در آنها کاسته شد.

نکته دیگری که از بررسی کتاب‌های درسی تاریخ روشن می‌شود، تکیه معلمان در به خاطر سپاری دقیق رویدادهاست. نویسنده «تاریخ تلگرافی» کوشید با به شعر درآوردن وقایع تاریخ ایران، آن را برای شاگردان به یاد ماندنی‌تر کند. انتخاب عنوان «تلگرافی» هم روشن می‌کند که ایجاز و استفاده از واژه‌های کلیدی اساس کار مصنف بوده است. در آن سال‌ها بسیاری از معلمان توقع داشتند شاگردان نام اشخاص، سال وقوع حوادث و جنبه‌های بارز رویدادها را به یاد بسپارند. حتی در سال‌های بازپسین هم که مخالفت‌های زیادی با این شیوه تدریس صورت می‌گرفت، برخی از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بر آن اصرار می‌ورزیدند. برای مثال، «روزنامه معارف» که از سال ۱۳۱۷ ق. زیر نظر «انجمن معارف» منتشر می‌شد،^۲ اگر چه سهم زیادی در پایه‌گذاری تعلیم و تربیت جدید دارد؛ لیکن به نظر نمی‌رسد چندان با توسعه شتابان روش‌های تربیتی نوین همگام شده باشد. دوره پنجم این روزنامه که با نام «مجله معارف» منتشر می‌گردید، در مقاله‌ای با عنوان «طریقه تدریس تاریخ» به معلمان چنین توصیه می‌کند:

«معمول این است که معلمین تاریخ را از روی کتاب تدریس و از خارج سؤال می‌نمایند. این طریقه شاگرد را مورخ نمی‌سازد. فایده‌ای را که از تاریخ منظور است، منحصر به اطلاع از اوضاع و احوال گذشتگان نیست؛ بلکه مقصود مهم‌تری در بین است که ابداً معلمین تاریخ در نظر ندارند و آن تسلسل فکری [حضور ذهن] است که احتیاج محصلین بدان بیش‌تر از اطلاع بر اوضاع گذشته است. این تسلسل فکری به واسطه ذوق تاریخی حاصل و فایده آن در علوم طبیعی و اعمال صنعتی تظاهر می‌نماید... تعلیم تاریخ باید اولاً از [روی] کتاب تاریخ را برای نوآموزان به طور قرائت و معنی و حفظ تدریس نمایند و بعد بردارند مطالب تاریخی را به طور تفصیل یا اختصار انشا [جزوه گویی] نمایند. بعد یک سلسله مشاهدات [؟] برای آنان ترتیب داد و وادارند به نوشتن و تحریر کردن و بعد وادارند سوانح عمری خود را از آغازی که به خاطر دارند، بنویسند. با این واسطه تاریخ به حافظه کمک و حافظه فکر را منبسط و قوه تسلسل فکری ایجاد می‌شود. این است طریقه تدریس تاریخ والا خواندن این عبارات خشک و خالی و بی‌مغز و پوچ، هیچ نتیجه ندارد و عمر را تضییع می‌کند».^۳

نویسنده این مقاله «تاریخ» را نه به عنوان علم؛ بلکه به مثابه تکاپویی فکری برای ورزیدگی ذهن تلقی می‌کند که یادگیرنده را برای فراگیری سایر علوم آماده می‌نماید! از نگاه وی اندیشه فرد زمانی تواناست که «مسموعات و

۱- به نقل از چنگیز بهلولان، ریشه‌های تجدد، ص ۴۱.

۲- جعفر خمایی زاده، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق. / ۱۲۸۹ ش.، ص ۲۳۷.

۳- مجله معارف، سال سوم، دوره پنجم، ش ۸، ص ۱۵.

مشاهدات خود را همان طور که فکر کرده یا شنیده یا دیده، بتواند دوباره از نظر گذرانده و تقریر نماید». چنین رویکردی مانع بروز خلاقیت‌های فکری و اندیشه‌های نو می‌گردد و فراگیر را به سوی تقلید ناآگاهانه سوق می‌دهد. با رواج این دیدگاه بود که حتی وزارت معارف هم در صفحه آخر کتاب سوم ابتدایی با عنوان «اخطار به آقایان معلمین» به آموزگاران «حافظه‌گرایی» را چنین تکلیف می‌کرد:

«شاگردان را وادار نمایند که رئیس مطالب تاریخ و مسایل حفظ‌الصحه و دروس انشا و شرعیات را پس از فهمیدن، کاملاً به‌خاطر بسپارند و نیز قسمتی از اشعار منتخبه را که شماره آن در هر صورت از پانصد بیت کم‌تر نباشد، با توجه به معانی آنها حفظ کنند»^۱.

یکی دیگر از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت نیز به معلمان توصیه می‌کند:

«... درس مکالمه و تکلیف حفظی را [می‌باید] به طور ساده به شاگردان یاد داد و مکرراً از آنها سؤال کنند که ملکه آنها گردد؛ چه مهم‌ترین درس در سال اول مکالمه است که برای تعلیم نطق و انشا در سال‌های بعد، بهترین طریق است و تکالیف حفظی برای نمو قوه حافظه لازم است...»^۲.

شاید مهم‌ترین مانع رواج اصول تعلیم و تربیت نوین در ایران را بتوان در پایداری باورهای سنتی آموزش در بین دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دانست. برای درک این موضوع که «حافظه‌گرایی» تا چه میزان در زیر پوست تعلیم و تربیت نوین به حیاتش ادامه داد و با وجود رواج ظاهری اصول تربیتی نوین، هم چنان چیرگی خود را حفظ کرد، ابراز عقیده یکی از مشهورترین معلمان تاریخ و نویسنده بسیاری کتاب‌های درسی این رشته نقل می‌گردد. وی در یک سخنرانی به دفاع از شیوه «حفظ کردن» در تعلیمات سنتی پرداخته و می‌گوید:

«...در بعضی مدارس شنیده‌ام به کلی حفظ کردن شعر و نثر را قدغن نموده‌اند. البته این اندازه هم صحیح نیست! ... در سابق... بسیاری از متون علمی را طلاب از بر می‌کردند... این کار البته در نظر ما عجیب می‌آید؛ ولی اگر توجهی به احوال طلاب بکنیم - از نداشتن کتاب و پول خرید کتاب و وقت استنساخ کتاب و وسیله حمل و نقل کتاب در مسافرت‌ها و غیر ذلک - تصدیق می‌فرمایید که مجبور بودند، صندوق سینه خود را جای کتاب قرار دهند. در نتیجه این توجه به حفظ ... حافظه‌ها قوت [می‌گرفت] و ورزش [می‌کرد]... طلاب سابق در هر مسأله که در حدود اطلاعات آنها بود، چنان حضور ذهنی داشتند که محتاج به مراجعه به کتب نمی‌شدند. برخلاف امروز که از بس حافظه را مهمل می‌گذاریم، اگر کسی راه خانه ما یا اسم اقوام ما را بپرسد، باید به کتابچه جیبی رجوع کنیم و نمی‌توانیم ده دقیقه پی در پی مطالب علمی را بی مراجعه بیان کنیم و از قول گذشتگان نقل نماییم...»^۳.

«رشید یاسمی» اگر چه در این سخنرانی ستایش خود را از «حضور ذهن» طلاب سابق که در نتیجه ممارست در «حفظ» قوت می‌گرفت، پوشیده نمی‌دارد؛ لیکن به جنبه‌های اجتماعی و زیباشناختی آموزش تاریخ نیز توجه داشته و در کتاب «تاریخ ایران» که به سفارش وزارت معارف برای شاگردان پایه پنجم و ششم ابتدایی نوشت، به آموزگاران

۲- وزارت معارف (گروه مؤلفان)، کتاب سوم ابتدایی.

۳- حبیب‌الله آموزگار، فارسی آموز دوره ابتدایی [قسمت دوم]، خاتمه.

۱- تعلیم و تربیت مجله ماهیانه فنی و رسمی وزارت معارف، سال ششم، ش ۱۱ صص ۷۸۷-۷۸۶.

سفارش کرد: وقایع تاریخی کتاب را که با حکایاتی چند آمیخته شده، در کلاس بازگو کرده و موضوع انشای شاگردان قرار دهند.^۱ این اشاره کوتاه نشان می‌دهد، وی به پرورش خلاقیت شاگردان نیز اهمیت داده و «روش قصه‌گویی» و ضرورت به کار گرفتن تخیل در آموزش تاریخ را که امروزه از سوی برخی کارشناسان مورد تأکید قرار گرفته،^۲ به آموزگاران توصیه می‌کرده است.

کتاب‌های علوم تربیتی و شیوه تدریس تاریخ

با گشایش مراکز تربیت معلم، نیاز به کتاب‌های علوم تربیتی نیز احساس گردید و برخی تلاش‌ها برای تدوین آن صورت گرفت. کتاب‌های علوم تربیتی بیش‌تر از منابع غربی ترجمه شده‌اند.

مترجمان ایرانی گاهی در کتاب‌های علوم تربیتی به مطالبی برمی‌خوردند که با شرایط عمومی تعلیم و تربیت کشور فاصله بسیار داشت؛ بنابراین در صدد هماهنگ ساختن آنها برمی‌آمدند. به همین دلیل، آثار این دوره بیش‌تر صورت ترجمه و تألیف به خود می‌گرفت و مترجمان با حذف موضوعاتی، نظرهای خودشان را هم در لابه‌لای مطالب ابراز می‌کردند. از آن جا که شیوه ارجاع دادن در متن چندان مرسوم نبود، تشخیص موارد افزوده شده، چندان آسان نیست؛ به هر تقدیر آثار پدید آمده، آکنده از جنبه‌های تربیتی نوین می‌باشد که طی سال‌های متمادی، راهگشای معلمان ایرانی گردید و آنان را در به کار بردن اصول جدید تربیتی یاری داد.

اینک مطالبی درباره روش آموزش تاریخ از آثاری که بیشتر مورد استفاده معلمان بوده‌اند، نقل می‌گردد: نویسنده کتاب «راهنمای تربیت یا اصول تعلیم» پس از توصیف فواید تاریخ، می‌نویسد: معلم تاریخ باید با استفاده از عبارت‌های ساده و صدای مؤثر، انگیزه اندیشیدن در باره خصوصیات اخلاقی بزرگان تاریخ را در شاگردان بیدار کند و با مهارت از طریق همسنجی گذشته و حال و آرایه مثال‌های مناسب و نیز مربوط کردن درس تاریخ با جغرافی آن را برای شاگردان قابل فهم‌تر و جذاب‌تر کند.^۳ وی می‌افزاید، باید شاگردان را به حفظ سال‌های وقوع رویدادهای تاریخی وادار کرد؛ زیرا: «...ارقام تاریخی به منزله چشم راست تاریخ است و اهمیت حفظ آن در علم تاریخ کم‌تر از اهمیت جدول ضرب در علم حساب نیست...»^۴

توصیه‌هایی که در این اثر برای آموزش تاریخ شده، یک‌دست نیست. مواردی مانند زمان‌بندی مناسب تدریس، رعایت ویژگی‌های فراگیران، استفاده از جغرافی برای تفهیم تاریخ، برقراری پیوند میان مطالب از طریق همسنجی حال با گذشته، به مباحث جدید مطرح در آموزش تاریخ نزدیک بود، در حالی که توصیه به معلمان برای «تقدیر مراتب رجال» و تأکید بر حفظ ارقام سال‌ها به اصول تعلیمات سنتی شبیه‌تر است.

۲- غلامرضا رشیدپاسمی، تاریخ ایران، مقدمه.

۳- مسعود جوادیان، «یکی بود، یکی نبود: آموزش تاریخ» مجله رشد آموزش ابتدایی، س ۸، ش ۶ (پای در پی ۶۵)، صص ۲۱-۲۳ و عبدالرسول خیراندیش، «تخیل و تاریخ: درآمدی بر چگونگی به کار گیری قوه تخیل در آموزش تاریخ»، رشد آموزش تاریخ، س ۳، ش ۹ صص ۱۷-۱۴ و آلن فارمر و کریستین کوپر، «قصه‌گویی در تاریخ»، مجله رشد آموزش تاریخ، س ۳، ش ۹ صص ۳۹-۳۴.

۱- حبیب‌الله آموزگار، راهنمای تربیت یا اصول تعلیم، صص ۲۲۶-۲۲۵

۲- همان، ص ۴

با وجود ناموزون بودن مطالب، نمی‌شود از تأثیری که همین کتاب پر ابهام در آموزش رسمی ایران داشت، به سادگی گذشت. به نظر می‌رسد این اولین کتابی است که توصیه‌های کاربردی را برای آموزش تاریخ در ایران مطرح نموده و از دریچه فن و هنر معلمی به آموزش این درس نگریسته است. تقریظ اداره معارف نیز نشان می‌دهد در دوره وائفسای جنگ جهانی اول، این اثر تا چه میزان برای نظام آموزشی مغتنم شمرده شده است.^۱

یکی از معلمان تاریخ نیز کتابی در اصول تعلیم و تربیت ترجمه کرد. این اثر با هدف تدریس به آموزگاران در دانش‌سرای مقدماتی تدوین گردیده؛ به همین جهت آموزش ابتدایی بیش‌تر مورد نظر نویسنده قرار گرفته است. فصل هفدهم کتاب به «تعلیم تاریخ» اختصاص دارد که فشرده توصیه‌های آن چنین است:

۱- درس تاریخ بایستی ساده و روشن و متناسب با فهم کودکان باشد. پس لازم است از تصاویر بزرگان و آثار گذشته استفاده نمود و اگر از اماکن قدیمی نمونه‌ای در محل موجود است، شاگردان را به بازدید از این آثار برد.

۲- آموزگاران باید از افزودن اسامی و سنواتی بر آنچه در کتاب شاگردان هست، خودداری کنند و به جای بیان وقایع و حوادث کوچک به تدریس و تشریح حوادث مهم همت گمارند.

۳- به تاریخ تمدن ایران و عالم بیشتر از تاریخ زندگانی فرمانروایان و شاهزادگان و امرا باید توجه کرد.

۴- آموزگار باید در روی نقشه دیواری نقاطی را که نام می‌برد، نشان دهد. معلمین تاریخ باید چنان به کار با نقشه اهمیت دهند که اگر اتفاقاً در مدرسه نقشه موجود نیست، خود با گچ بر روی تخته سیاه نقشه‌ای بکشند.

۵- پس از آن که آموزگار رویدادهای تاریخ را شرح داد، باید همان موضوع را از روی کتاب درسی بخواند یا یکی از شاگردان را به خواندن آن مأمور سازد و در ضمن قرائت، لغات و عبارات مشکل یا کنایات و استعارات مبهم را معنی و تشریح کند و اگر کتاب دارای تصاویری است، درباره آنها نیز توضیحاتی ارائه دهد.

۶- بهتر است محصلین خلاصه‌ای از هر درس تاریخ را در کتابچه‌ای بنویسند. معلم هر روز باید این کتابچه را ببیند و برای پاکیزگی و درستی و خوبی آن نمره‌ای معین کند. هم‌چنین پانزده روز یا ماهی یک بار باید به شاگردان تکلیف کتبی داد؛ ولی باید تکالیف چنان باشد که تفکر خلاقانه آنان را برانگیزد.^۲

امروزه به دلیل وجود تجهیزات پیشرفته آموزشی، امکان طراحی کلاس‌های درس بر اساس فناوری اطلاعات (IT) فراهم آمده و «دانش‌آموز محوری» جای «معلم محوری» را گرفته است. اکنون می‌توان برای استفاده از نقشه‌ها، تصاویر و فیلم از ابزارهای پیشرفته‌تری مانند «دیتاشو»^۳ و «ویژلایزر»^۴ استفاده کرد؛ لیکن معلمان تاریخ همچنان نیازمند به کار بستن جنبه‌های معنوی هستند تا به موضوعات درسی جان ببخشند. تمرکزبخشی در کلاس و تلاش برای پرورش فکری فراگیران هنوز از مهمترین نیازمندی‌های آموزش تاریخ است.

پایه‌گذار رشته علوم تربیتی دانش‌سرای عالی تهران در اثری که بارها تجدید چاپ شد، به اهمیت و فواید تاریخ، نیز پرداخت. وی در فصلی با عنوان «روش آموختن تاریخ»، ضمن توصیه به معلمان برای رعایت بودجه‌بندی مطالب،

۳- همان، ص ۷.

۱- نصرالله فلسفی، اصول تعلیم و تربیت، ۱۱۴-۱۱۱.

تکیه بر موضوعات اجتماعی و فرهنگی، استفاده از نقشه و فیلم‌های تاریخی در کلاس، بازدید از اماکن تاریخی، پیشنهاد می‌کند نموداری از سالشمار وقایع مهم با کمک شاگردان تهیه و در کلاس نصب شود. وی همچنین معلمان تاریخ را به پرهیز از تعصب نسبت به خودی و بیگانه فراخوانده و تأکید می‌کند:

«اگر معلم هواداری دسته‌ی خاصی را نموده و میل باطنی و اعتقاد سیاسی خود را در آموختن تاریخ دخیل سازد، فرزندان میهن را به نفاق و خلاف حقیقت کشانده و برخلاف وظیفه‌ی معلمی خود رفتار کرده است. البته تاریخ باید مهر میهن‌پرستی را ایجاد کند؛ ولی نه از راه تولید کینه نسبت به بیگانه»^۱

نویسنده در ادامه می‌نویسد: افزون بر کتاب درسی تاریخ باید کتاب‌های مهم تاریخ که به زبان فارسی است، در کتاب‌خانه‌ی مدرسه فراهم کرد و دبیر به اقتضای موضوع درس، چند صفحه یا چند فصل آن‌ها را برای شاگردان معین کند که در کتاب‌خانه یا منزل مطالعه کنند و می‌افزاید:

«جای تأسف است که در دبیرستان‌های ما این قسمت تاکنون رعایت نشده... به علاوه بسیاری از دبیران دوره‌ی اول دبیرستان، خودشان آن‌ها را ندیده‌اند تا بتوانند تکلیف برای شاگرد معین کنند!»^۲

امروزه دانش‌آموزان ناگزیرند برای موفقیت در کنکور روش‌های تندخوانی و حدس زدن پاسخ‌های احتمالی را آموخته و مطالب کتاب را سطر به سطر به‌خاطر سپارند تا مبادا امتیاز حتی یک پاسخ درست را از دست بدهند. به این ترتیب دیگر جایی برای مطالعات خارج از کتاب درسی باقی نمی‌ماند. اگر در گذشته کمبود کتاب مناسب در کتابخانه دبیرستان یا ناآشنایی برخی دبیران با منابع دست اول تاریخی مشکل اساسی آموزش تاریخ بود، امروز شیوه ارزشیابی متمرکز نیز به آن افزوده شده است و مانع پرداختن به تحقیقات دانش‌آموزی است. برای آشنایی مطلوب با تاریخ، مراجعه به منابع مختلف ضروری است و شاگردان دبیرستان با انجام پاره‌ای تحقیقات ساده‌ی تاریخی و مراجعه به آثار غیر درسی، قادر خواهند شد آگاهی‌های ژرف‌تری را بیاموزند.

روش آموزش تاریخ در دانش‌سراهای مقدماتی نیز از آنجا که قرار بود شاگردانش معلمان آینده مدارس باشند، اهمیت دارد. فراگیران این مراکز ضمن آشنایی با فواید تاریخ و شیوه‌های ایجاد و تقویت حس ملیت در دانش‌آموزان با راه‌های ملموس کردن موضوعات تاریخی برای شاگردان آشنا می‌شدند.^۳ رییس اداره‌ی دانش‌سراهای وزارت فرهنگ نیز کتابی برای دانش‌سراهای مقدماتی سراسر کشور تدوین کرد. در این اثر برای تدریس تاریخ به دبیران توصیه شده است:

«...بسیار به جا و مناسب است که دانش‌آموزان دانش‌سراها تحت نظر دبیران تاریخ حکایات تاریخی و قصه‌ها و افسانه‌های محلی را که کم و بیش جنبه تاریخی دارند و هم چنین توضیحات و اطلاعاتی که نسبت به آثار و ابنیه‌ی محلی به دست می‌آورند، در دفترچه‌های مخصوص گردآورند و همیشه یک نسخه از آن را پس از ملاحظه و تصحیح دبیر مربوطه در کتابخانه مخصوص و یا موزه‌ی آموزش و پرورش دانش‌سرا قرار دهند تا بدین ترتیب دانش‌آموزان

۵- عیسی صدیق، روش نوین در آموزش و پرورش، ص ۴۳۲. ۶- همان، ۲۴۵.
۱- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه معارف سال تحصیلی ۱۳۱۲-۱۳۱۱ [قسمت دوم]، ص ۱۸۰.

دانش‌سراهای هر حوزه‌ای اطلاعات جامعی نسبت به تاریخ محلی خود پیدا کنند و هنگام آموزش هم نواآموزان دبستان‌ها را از آن اطلاعات به قدر لزوم بهره‌مند سازند»^۱.

تأثیر باستان‌گرایی در روند آموزش تاریخ

یکی از جنبه‌های تعلیم و تربیت نوین ایران، نفوذ اندیشه‌های باستان‌گرایانه در آموزش تاریخ می‌باشد. در میانه دوره قاجار بسیاری از متفکران شیفته ایران باستان شدند و نویسندگان دوره مشروطه نیز آثاری را با رویکردهای باستان‌گرایانه آفریدند. رویدادهای سیاسی، اجتماعی بعد از مشروطه زمینه گسترش باستان‌گرایی را فراهم می‌آورد و در این رهگذر آموزش تاریخ از این جریان فکری تأثیر فراوان پذیرفت.

باستان‌گرایی از دو سو آموزش رسمی تاریخ را جهت بخشید: نخست با ارزش نهادن بر دست‌آوردهای علم باستان‌شناسی و قلمداد کردن «تاریخ تمدن‌های باستانی» به مثابه زیربنای تاریخ تمدن بشری که این بخش از تاریخ را در ردیف اساسی‌ترین موضوعات مطالعاتی قرار می‌داد. دیگر از طریق گشودن دریچه‌های تازه‌ای برای آموزش‌های اخلاقی و سیاسی دانش‌آموزان که بر مبنای دمیدن روحیه میهن‌پرستی و تقویت هویت ملی شکل می‌گرفت.

اوج باستان‌گرایی در درس تاریخ زمانی اتفاق افتاد که حکومت نوپدید پهلوی کوشید خود را نجات‌بخش جامعه ایرانی و جانشین پادشاهان باستان نشان دهد. جایگاه معنوی شهروندان ایران و بیدار کردن حس شاه‌پرستی که با اندیشه ایران‌شهری در تاریخ گره خورده بود، انگیزه نوشتن مطالبی در کتاب‌های درسی تاریخ شد که بیشتر مشروعیت بخشیدن به نظام سیاسی حاکم را مدنظر داشت.

باستان‌گرایی در کتاب‌های درسی تاریخ

باستان‌گرایی و رویکرد به گذشته پرافتخار ایران، بازتاب بی‌واسطه اندیشه‌های نسلی بود که هویت ملی و موجودیت تاریخی خویش را در خطر می‌دید. در اولین کتاب‌های درسی تاریخ که در آستانه بروز مشروطه منتشر گردیدند، تاریخ باستانی ایران آشکارا مورد ستایش قرار گرفته و گذشته در برابر حال نهاده شده است. برای مثال، در کتاب «دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد اول: تاریخ ایران]» پس از اولین صفحه که ناگزیر به ستودن مظفرالدین شاه اختصاص یافته است، سرزمین‌های از دست رفته ایران را برمی‌شمارد و بدین ترتیب گویی همه آن تعارفات را در مورد «اعلی‌حضرت قوی‌شوکت اقدس همایون شاهنشاه جم‌جاه» به مسخره می‌گیرد.

در نگاه بسیاری از نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ، ایران باستان سراسر پر از دادگری و نظم و ترتیب اجتماعی بود. به فاصله کوتاهی پس از پیروزی مشروطه، ادیب‌الممالک کرمانی کوشید تا عدالت‌پروری انوشیروان را با

۲- حبیب‌الله صحیحی، دستور آموزش برای دانش‌سرای مقدماتی، ۳۵-۳۳.

«عدل مظفر» برابر نهاده و با پندار شاعرانه خویش، بر تخت نشستن اولین پادشاه قانونی ایران را با پیشدادیان که نخستین قانونگذاران بوده‌اند، همسنگ کند.^۱

ادبیات و نثر به کار رفته در کتاب‌های درسی تاریخ به گونه‌ی است که به‌سختی می‌توان اثری را یافت که از فرهنگ و تمدن ایران باستان در آن یاد نشده باشد. «تاریخ ایران باستان» بیش‌ترین موضوع مطرح شده در کتاب‌های درسی ابتدایی در هر دو دوره قاجار و پهلوی بوده است. «تمدن‌های باستانی» و موضوعات مربوط به «فرهنگ و تمدن» نیز به ترتیب بیش از همه در کتاب‌های متوسطه قاجار و پهلوی مورد توجه قرار داشته‌اند. در مجموع «تاریخ ایران باستان» در دوره ابتدایی و «فرهنگ و هنر» در دوره متوسطه بیش‌ترین موضوعات کتاب‌های درسی تاریخ را تشکیل داده‌اند. از طرفی «تقویت روحیه میهن‌پرستی» بیش از سایر ویژگی‌ها مورد تأکید قرار گرفته است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در نگاه نویسندگان این آثار، فرهنگ و تمدن ایران باستان بهترین انگیزه برای تقویت روحیه میهن‌پرستی دانش‌آموزان شمرده می‌شده است.

حمله اعراب بیش از سایر یورش‌هایی که به ایران صورت گرفت، نظر نویسندگان را به خود جلب می‌کرد. چگونگی فروپاشی شاهنشاهی ساسانی به میزان بیش‌تری در شاهنامه و سایر کتاب‌های ادبی و تاریخی بازتاب داشت و نویسندگان کتاب‌های درسی هم که نثرپردازان زبردستی بودند، با الهام‌پذیری از سنت ادبی پیشینیان و الگو گرفتن از مضامین باستان‌گرایانه متفکران قاجار، به توصیف این قسمت از تاریخ ایران علاقه وافری نشان دادند. با اندکی درنگ می‌توان تأثیرات نوعی اندیشه شعوبی‌گری را پس از گذشت بیش از دوازده قرن در کتاب‌های درسی تاریخ بازشناسی کرد.

استفاده از عناصر افتخار آمیز فرهنگ و تمدن ایرانی و به‌رخ کشیدن پستی و درنده‌خویی اعراب دوران جاهلیت به‌فراوانی توسط شاعران و نویسندگان شعوبی مورد استفاده قرار می‌گرفت و آن را دلیلی برای نفی حاکمیت بیگانگان به شمار می‌آوردند.^۲ در دوران قاجار هم رویه باستان‌گرایی در تاریخ ایران دست‌مایه متفکران و روشنفکران برای ترویج روحیه خودباوری و ایجاد حس غرور ملی گردید. در حالی که این رویه در دوران پهلوی برای تبلیغات دولتی مورد استفاده قرار گرفت.

اگر شعوبیه از آیات قرآن شواهدی را برای نشان دادن برابری انسان‌ها و نفی برتری جویی اعراب متعصب و حاکمان بنی‌امیه می‌جستند^۳ و یا اگر پاره‌ای از روشنفکران دوره قاجار با نشان دادن شباهت شعارهای قانون‌گرایی و مشروطه‌خواهی با مضامین آیات و روایات، پشتوانه‌ای برای مبارزه با استبداد می‌یافتند،^۴ در دوره پهلوی دیگر نیازی به استفاده از شعائر دینی دیده نمی‌شد. برای مثال، رضازاده شفق که از نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ برای وزارت فرهنگ بود، آشکارا برخی از رفتارهای مذهبی را به چالش می‌کشید.^۵

۱- میرزا قاسم ادیب کرمانی، تاریخ تلگرافی، ص ۳.

۲- محمدرضا عسکرانی، پیشین، صص ۳۳۱-۳۲۸.

۳- حسینعلی ممتحن، نهضت شعوبیه؛ جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی، صص ۲۶۳-۲۲۵.

۴- همان، ص ۱۹۸.

۵- ماشالله آجودانی، مشروطه ایرانی، صص ۴۶ و ۲۲۵.

۶- سازمان پرورش افکار، سخنرانی‌های آموزشگاه پرورش افکار (قسمت دبیران)؛ موضوع: مبارزه با خرافات، ص ۳ و ۹۴.

آموزش تاریخ وامدار متفکرانی است که با الهام‌پذیری از تاریخ به نقد جنبه‌های مختلف حاکمیت سیاسی پرداخته‌اند؛ لیکن بروز اندیشه‌های افراطی همواره مانعی اساسی برای ثمربخشی این آموزه‌ها بوده است. اینک برای آشنایی با روند دولتی شدن آموزش تاریخ که با نیرومند شدن اندیشه‌های اقتدارگرایانه در عصر پهلوی آغاز شد، به بازتاب برخی از جنبه‌های تبلیغات دولتی در درس تاریخ اشاره می‌گردد.

آموزش تاریخ و نظام سیاسی حاکم

شاید هیچ دانشی به اندازه «تاریخ» از دخالت‌های دولتی آسیب ندیده باشد. بسیاری از دولت‌ها برای زدودن خاطره نظام‌های سیاسی پیشین و کسب مشروعیت، یا به تحریف تاریخ دست یازیده‌اند و یا به شکل‌گزینی آن را روایت نموده‌اند. از سویی بیشتر حکومت‌ها برای تبلیغ سیاست‌های جاری و کسب محبوبیت، به سراغ تاریخ رفته‌اند و آن را دست‌مایه فعالیت‌های تبلیغاتی‌شان قرار داده‌اند. این در حالی است که نظام تعلیم و تربیت نیز همواره تابعی از سیاست‌گذاری‌های نظام سیاسی حاکم بوده و هرگز از مداخله دولت‌ها مصون نمانده است؛ بنابراین، شاید بتوان نتیجه گرفت که هیچ یک از مواد درسی به اندازه تاریخ دستخوش تمایلات مصلحت‌جویانه دولتی نگردیده و از این رهگذر آسیب ندیده است.

در دوران پهلوی نیز تبلیغ برای نظام سیاسی حاکم، رفته رفته به صورت جزئی جدایی‌ناپذیر از کتاب‌های درسی تاریخ درآمد. نویسندگانی مانند «فروغی» از بالاترین مقامات سیاسی شمرده می‌شدند و شگفت نبود که در آثارشان به ستایش سیاست‌های اجرایی بپردازند.^۱ برخی هم نظیر «هدایت» به پیروی از «تالیان» که گفته بود: «شاهان می‌میرند؛ اما نقش آنان بر سکه‌های طلای‌شان باقی می‌ماند»، با وجود فروپاشی قاجارها، هم‌چنان در صحنه سیاست باقی ماندند تا به سهم خویش «توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه» بیاندوزند^۲ و از روی کار آمدن سلطنت پهلوی ابراز شادی کنند.^۳ اگر سیاست‌بازان و دولت‌مردان در نوشتن کتاب تاریخ، مدیحه‌سرایی پیشه‌سازند، دور از انتظار نیست؛ لیکن شگفت این جاست که برخی از فرزندان هم در سراب پی آب می‌گشتند و بر خلاف رویه تاریخ‌نویسی، صفحات کتاب درسی را با عبارتهای تملق‌آمیز پر می‌کردند. بخش پایانی کتاب «تاریخ ایران» پس از برشمردن بی‌لیاقتی پادشاهان قاجار، به تمجید از رضا شاه می‌پردازد.^۴

در کتاب‌های درسی تاریخ دوره پهلوی ویژگی «طرفداری از نظام سیاسی حاکم» به میزان قابل ملاحظه‌ای نسبت به دوره قاجار افزایش یافت. صفحات آغازین بسیاری از کتاب‌ها به تصاویری از پادشاه و ولیعهد اختصاص یافت و در شرح تاریخ معاصر ایران، بدگویی از قاجاربه و تعریف از حکومت پهلوی جای ثابتی پیدا کرد. نقطه اوج باستان‌گرایی و طرفداری از نظام سیاسی حاکم را در کتاب‌هایی که در زمان تصدی اسماعیل مرآت در وزارت فرهنگ منتشر شد،

۱- محمدعلی فروغی، تاریخ مختصر ایران به انضمام عصر پهلوی، صص ۱۲۰-۱۱۶.

۲- مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنه)، خاطرات و خطرات؛ توشه ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من.

۳- مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنه)، گزارش نامه ایران.

۴- غلامرضا رشیدپاسمی، تاریخ ایران، صص ۱۶۰-۱۵۹.

می‌توان دید. علاقه‌مندی به تاریخ ایران، نشانهٔ میهن‌پرستی شمرده شد و تبلیغ می‌گردید تلاش‌های زیادی برای صیانت از تاریخ ایران صورت گرفته است.^۱

ظرفیت تاریخ برای همسنجی حال و گذشته و قابلیت «این‌همانی» وانمود کردن برنامه‌های اجرایی با دستاوردهای موفق گذشته یا به‌رخ کشیدن رنج و شوربختی مردمان در شرایطی از دوره‌های تاریخی، امکان استفادهٔ تبلیغاتی از آن را فراهم می‌آورد. همین امر در روند آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران یکی از مهم‌ترین آفت‌های درس تاریخ بوده است. در چنین رویکردی از «آموزه‌های تاریخی» برای روشن کردن مسیر گذار به آینده استفاده نمی‌شد؛ بلکه شرایط سیاسی روز تعیین می‌کرد که کدام حادثه در تاریخ باید بزرگ‌نمایی یا تحقیر شود. سیاسی شدن درس تاریخ، قهرمانان تاریخی را به بازیگرانی بی‌اراده بر روی صفحات کاغذ بدل می‌سازد که سناریوهای دست‌نوشته را تمرین می‌کنند. هر یک از این بازیگران متناسب با شرایط سیاسی روز نقش خود را اندکی ملایم‌تر و یا قدری خشن‌تر اجرا می‌نمایند. بازی‌گردان این نمایش هم داستان‌پردازی به جای مورخ است که جذابیت و شیرینی داستان برای وی بیش از بیان حقیقت اهمیت دارد. در این صورت رفته رفته داستانی به جای درس تاریخ به دانش‌آموزان ارائه خواهد گردید.

آزادمنشی موجود در کتاب‌های درسی تاریخ که بعد از مشروطه منتشر گردیدند، با دولتی شدن تدوین کتاب‌های درسی از آن رخت برپست. الگوی به کار رفته در کتاب‌های وزارتی برای سال‌های متمادی مورد استفاده قرار گرفت و از آن جا که تاریخ یکی از مناسب‌ترین درس‌ها برای تبلیغات حکومتی به‌شمار می‌آمد، در برنامه‌ریزی‌های متمرکز کتاب‌نویسی درسی به عنوان یکی از حساس‌ترین درس‌ها مورد توجه دولت قرار گرفت و محتوای آن همواره با دقت ویژه‌ای تنظیم شد.

نتیجه‌گیری

درس تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران از آغاز با موانعی روبه‌رو بود که ارائهٔ مطلوب آن را دشوار می‌کرد. «جزوه‌نویسی» از آفت‌های درس تاریخ بود که با وجود چاپ گسترده کتاب‌های درسی، هم‌چنان ادامه یافت. «دوره کردن» و تکیه بر «حافظه‌مداری» نیز از موانع این درس بود که مانع بروز خلاقیت‌های فکری می‌گردید و فراگیر را به سوی تقلید ناآگاهانه سوق می‌داد.

یکی از کاستی‌های کتاب‌های درسی نپرداختن کافی به مبانی نظری تاریخ بود که موجب کم‌رنگ شدن ایجاد انگیزه در شاگردان می‌گردید. همچنین استفاده از روش پرسش و پاسخ در کلاس نیز به دلیل گسست‌هایی که در آموزش تاریخ ایجاد گردید، استمرار نیافت و به تدریج درج سؤال و جواب‌های کلیشه‌ای در کتاب‌ها، جای «بارش فکری» دانش‌آموزان در کلاس را گرفت.

۱- وزارت فرهنگ. (گروه مؤلفان)، کتاب تاریخ برای سال سوم دبیرستان‌ها، صص ۱۹۶-۱۹۵.

برخی نویسندگان آثاری را در زمینه تعلیم و تربیت پدید آوردند که طی سال‌های متمادی، راهگشای معلمان ایرانی گردید؛ لیکن توصیه‌هایی که برای آموزش تاریخ در این قبیل آثار شده، یک دست نیست و گاهی روش‌هایی توصیه شده‌اند که با اصول تربیتی نوین مغایرت دارد.

از طرفی ارزش نهادن بر تاریخ ملی نیز هرچند در پیچه‌های تازه‌ای را برای آموزش‌های اخلاقی و سیاسی دانش‌آموزان می‌گشود؛ لیکن بروز اندیشه‌های افراطی باستانگرایی مانعی اساسی برای ثمربخشی این آموزه‌ها بود. ظرفیت درس تاریخ برای همسنجی حال و گذشته امکان استفاده تبلیغاتی از آن را فراهم می‌آورد. همین امر در روند آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران یکی از مهم‌ترین آفت‌های درس تاریخ بوده است. آزادمنشی موجود در کتاب‌های درسی تاریخ که بعد از مشروطه منتشر گردیدند، با دولتی شدن تدوین کتاب‌های درسی از آن رخت بریست و با گسترش روند تمرکزگرایی دولتی، پویایی این درس بازهم سستی گرفت.

منابع

- ۱- آموزگار، حبیب‌الله. (۱۳۰۱). راهنمای تربیت یا اصول تعلیم [از مجموعه گنج دانش]، (اقتباس از کتاب هدایه‌لمدرس تألیف علی عمریک) تهران: مطبعه روشنائی، بی‌چاپ، (چاپ سنگی - محل نگهداری پژوهشکده معلم شیراز).
- ۲- آموزگار، حبیب‌الله. (۱۳۰۶). فارسی آموز دوره ابتدایی [قسمت دوم]؛ دارای مواد شرعیات، اخلاق، علم‌الاشیاء، تاریخ، جغرافیا، حساب و مشق خط، تهران: گنج دانش، بی‌چاپ، (چاپ سنگی).
- ۳- ادیب کرمانی، میرزا قاسم. (۱۳۲۵ق.). تاریخ تلگرافی. تهران: بی‌نا، کاتب مرتضی نجم آبادی، بی‌چاپ، (چاپ سنگی - محل نگهداری: کتابخانه شهید دستغیب [ملی]، شیراز).
- ۴- پرویز، عباس. (۱۳۱۵). تاریخ اروپا در قرون وسطا از اوایل هجوم وحشی‌ها به اروپا تا فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح [جلد اول]، تهران: مطبعه اتحادیه (کتابخانه پرند)، بی‌چاپ.
- ۵- پهلوان، چنگیز. (۱۳۸۳). ریشه‌های تجدد؛ نمونه مدرسه سیاسی و رساله حقوق اساسی اثر محمدعلی فروغی و مجموعه ای از اسناد، تهران: نشر قطره، چ اول.
- ۶- تعلیم و تربیت مجله ماهیانه فنی و رسمی وزارت معارف. (۱۳۱۵). «بیانات آقای رشیدیاسمی استاد تاریخ در مجلس دانشجویان». تهران: سال ششم، ش ۱۱ صص ۷۸۷-۷۸۶.
- ۷- جوادیان، مسعود. (۱۳۸۵). «یکی بود، یکی نبود: آموزش تاریخ»، تهران: رشد آموزش ابتدایی، سال هشتم، شماره ۶ (پی در پی ۶۵)، صص ۲۱-۲۳.
- ۸- خمایی زاده، جعفر. (گردآورنده و مترجم) (۱۳۸۰). روزنامه‌های ایران؛ از آغاز تا سال ۱۳۲۹ق. / ۱۲۸۹ش. با اضافات و شرح کامل به همراه تصاویر روزنامه‌ها: برداشتی از فهرست ه.ل. رایینو، ترجمه و تدوین جعفر خمایی زاده، تهران: اطلاعات، چ دوم (چ اول ۱۳۷۲).
- ۹- خیراندیش، عبدالرسول. (۱۳۸۱). «تخیل و تاریخ؛ درآمدی بر چگونگی به کارگیری قوه تخیل در آموزش تاریخ»، تهران: رشد آموزش تاریخ، سال سوم، شماره پی‌درپی ۹ صص ۱۷-۱۴.
- ۱۰- رشیدیاسمی، غلامرضا. (۱۳۰۹). تاریخ ایران؛ برای تدریس در سال پنجم و ششم ابتدایی، تهران: مطبعه روشنائی، چ اول.
- ۱۱- رشیدیاسمی، غلامرضا. (۱۳۱۷). تاریخ ایران برای تدریس در سال پنجم و ششم ابتدایی، تهران: شرکت مطبوعات، چ یازدهم.
- ۱۲- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. [تاریخ سند: ۱۳۱۶ / عنوان سند: بخش‌نامه؛ لزوم تهیه شیشه و قاب برای عکس‌های تاریخی و نصب آن / شماره سند: ۲۹۷۰۳۰۲۱۸ / شماره میکروفیلم ۲۲۰/۲۹ کد منشاء سند: وزارت آموزش و پرورش.

- ۱۳- سازمان پرورش افکار. (۱۳۱۸). سخنرانی‌های آموزشگاه پرورش افکار (قسمت دبیان)؛ موضوع: مبارزه با خرافات، سخنران دکتر رضا زاده شفق، تهران: فردوسی، بی‌جا.
- ۱۴- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه. (۱۳۱۳). سالنامه معارف سال تحصیلی ۱۳۱۱-۱۳۱۲ [قسمت دوم]؛ احصائیه مدارس در آخر سنه‌ی تحصیلی ۱۳۱۲-۱۳۱۱. تهران: دایره احصائیه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، مطبعه روشنایی، بی‌جا.
- ۱۵- سعادت بوشهری، محمدحسین. (بی‌تا- حدود ۱۳۳۲ق.). تاریخ ایران (مدرسه سعادت بوشهر - بدون عنوان مشخص روی جلد)، بی‌جا: بی‌نا، بی‌چاپ (چاپ سنگی - محل نگهداری: کتابخانه پژوهشکده معلم، شیراز).
- ۱۶- سیدعلی خان. (۱۳۲۹ق.). تاریخ عمومی مصور، کاتب علی رضا، تهران: مطبعه آقا محمد مهدی، چ اول. (چاپ سنگی).
- ۱۷- شکرایی، ابوالقاسم. (۱۳۱۸). تاریخچه قسمتی از بناهای تاریخی کشور، اصفهان: چاپخانه عرفان، بی‌جا.
- ۱۸- صحیحی، حبیب‌الله. (۱۳۲۰). دستور آموزش برای دانش‌سرای مقدماتی. تهران: وزارت فرهنگ (چاپخانه فاروس)، بی‌جا.
- ۱۹- صدیق، عیسی. (۱۳۲۹). روش نوین در آموزش و پرورش، تهران: شرکت سهامی چاپ کتاب، چ ششم.
- ۲۰- طباطبایی، سید سعید. (۱۳۴۰). تاریخ مختصر ایران؛ از تکالیف سال سوم و چهارم مدارس، اصفهان: گلپه‌ار، چ سوم، (چاپ سنگی).
- ۲۱- عزت پور، ؟. (۱۳۱۴). تاریخ عمومی؛ برای سیکل اول دبیرستان مشتمل بر تاریخ ممالک مصر، کلد و آشور، بنی اسرائیل، یونان، روم، عرب و قسمتی از تاریخ ایران از سلسله صفاری تا روی کار آمدن سلاجقه، تهران: مظفری (مطبعه سپهر)، چ سوم.
- ۲۲- عسکرانی، محمد رضا. (۱۳۸۸). آموزش تاریخ در روند نظام تعلیم و تربیت ایران [رساله دکترای تخصصی]، گروه تاریخ دانشکده علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه تبریز، استاد راهنما مقصودعلی صادقی، استادان مشاور یحیی کلانتری و سید داود حسینی نسب، چاپ نشده.
- ۲۳- فارمر، آلن و کوپر، کریستین. (۱۳۸۱). قصه‌گویی در تاریخ، ترجمه و تلخیص جمشید نوروزی و مرجان نگهبی، تهران: رشد آموزش تاریخ، سال سوم، شماره پی‌درپی ۹ صص ۳۹-۳۴.
- ۲۴- فروغی، محمدعلی (حدود ۱۳۲۵ق.). دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد دوم: تاریخ ایران] مصور. با همکاری محمدحسین فروغی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌چاپ (چاپ سنگی - محل نگهداری کتابخانه مرکزی [ملی]، تبریز).
- ۲۵- فروغی، محمدعلی. (۱۳۰۸). تاریخ مختصر ایران به انضمام عصر پهلوی مخصوص کلاس پنجم و ششم مدارس ابتدایی، تهران: بی‌نا، چ بیست و پنجم.
- ۲۶- فروغی، محمدعلی. (۱۳۲۶ق.). دوره مختصر تاریخ ایران؛ دارای تصاویر متعدده با هشت صفحه نقشه رنگین برای متعلمین مدارس ابتدایی و اتاق‌های اول مدارس علمی، تهران: چاپ دوم (همراه با اضافات)، (چاپ سنگی - محل نگهداری کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، اصفهان).
- ۲۷- فروغی، محمدعلی. (۱۳۳۴). تاریخ مختصر عالم؛ برای سال پنجم و ششم مدارس ابتدایی، تهران: مطبعه مشهدی خداداد، چ اول، (چاپ سنگی).
- ۲۸- فرهودی، حسین. (۱۳۱۳). دوره تاریخ عمومی برای سال اول دبیرستان‌ها، تهران: شرکت مطبوعات (مطبعه یمنی)، چ هشتم.
- ۲۹- فلسفی، نصرالله. (۱۳۱۴). اصول تعلیم و تربیت، تهران: مطبعه مهر، بی‌جا.
- ۳۰- فلسفی، نصرالله. (۱۳۱۶). تاریخ ایران پیش از اسلام؛ سال دوم، تهران: به کوشش مؤسسه وعظ و خطابه، شرکت سهامی چاپ، بی‌جا.
- ۳۱- فلسفی، نصرالله. (۱۳۱۶). تاریخ عمومی در قرن هفدهم و هجدهم، تهران: شرکت مطبوعات، چ اول.
- ۳۲- کریمی، بهمن و فاضلی، رضا. (۱۳۱۴). دوره تاریخ [کتاب اول]؛ شامل خصوصیات تاریخ مصر، کلد و آشور، بنی اسرائیل، فنیقیه، یونان، تهران: شرکت نشر کتاب، چ اول.
- ۳۳- مایر، فردریک. (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌های تربیتی [جلد ۲]، تهران: سمت، چ اول.

- ۳۴- مجله معارف (۱۳۰۷). «طریقه تدریس تاریخ»، تهران: سال سوم، دوره پنجم، شماره ۸ (فروردین ۱۳۰۷)، ص ۱۵.
- ۳۵- مشحون، حسن و خزائل، رضا و جلالی فر، علی اکبر. (۱۳۳۴). تاریخ برای سال دوم دبیرستان‌ها؛ شامل ایران - اروپا، تهران: علمی، چ اول.
- ۳۶- ممتحن، حسینعلی. (۱۳۶۸). نهضت شعوبیه؛ جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی. بی جا: مؤسسه انتشارات باورداران، چ دوم.
- ۳۷- میرزا حسین خان. (۱۳۳۴ق.). تاریخ قرون قدیمه عالم [جلد چهارم]؛ از تکالیف سال پنجم مدارس مقدماتی ایران، تهران: کتابخانه علمی، چ اول، (چاپ سنگی - محل نگهداری: (موزه آموزش و پرورش خراسان، مشهد).
- ۳۸- وزارت فرهنگ. (گروه مؤلفان) (۱۳۱۹). کتاب تاریخ برای سال سوم دبیرستان‌ها، تهران: وزارت فرهنگ، (چاپخانه بانک ملی)، بی جا.
- ۳۹- وزارت معارف. (گروه مؤلفان) (۱۳۱۵). کتاب سوم ابتدایی، تهران: وزارت معارف (مطبعه ایران)، بی جا.
- ۴۰- هدایت، مهدی قلی (مخبر السلطنه). (۱۳۱۷). گزارش نامه ایران [در چهار بخش]، کاتب محمد علی مصباحی، تهران: مطبعه اخوان کتابچی، بی جا، (چاپ سنگی).
- ۴۱- هدایت، مهدی قلی (مخبر السلطنه). (۱۳۷۵). خاطرات و خطرات؛ توشه ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، تهران: زوار، چ پنجم.
- ۴۲- مارنی هیوز، وارینگتن. (۱۳۸۶). پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ترجمه محمدرضا بدیعی، تهران: امیرکبیر، چ اول.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.